

ارض مقدسه و تسعة مفسدين و جبال عشره و طيور اربعة و غير ذلك من اسائل الكثیرة التي تعد كل واحد
 منها رسالة مستقلة و شرح رسالة حضرت امام حسن عسكري عليه السلام که بجانب اهل اهل هواز فرستاده بودند
 و بيان مسئله الامر من الامر من وان کتابت مشتمل بر مطالب عجيبه و اسرار غريبه و رسالة در جواب
 اسوله شيخ احمد بن طوق و علوم متفرقة و رسالة در اجوبة اسائل و فاضل ولي ملا علي قزويني در احوال اهل عرفان
 و مرتاضين و بيان تبيين مولود فلسفي و شرح علم الصناعة الفلسفية و ذکر علم حروف و جفر و
 انواع بسط و تفسیر و رسالة در جواب مسائل شيخ محمد بن شيخ عبد العلي القطيفي و تاويل البحر سبعة و بيان
 دليل عقلي بر عصمت ائمه و رسالة در شرح ابيات شيخ علي بن عبد المدين فارس و علم صناعات و رسالة در شرح
 كلمات شيخ علي مزبور و علوم متفرقة که آنرا بطور الفاظ تالیف فرموده و رسالة در علم نجوم و رسالة در علم
 کتابت خط قرآن و رسالة در جواب سوال عالم فاضل حاج عبدالوهاب القزويني في توضیح معنی الجسدین
 و الجسمين و رسالة در اجوبة اسائل شيخ عبد المدين حذیر و معنی استغفار انبياء و اوصيا و خوف و بکامی ایشان
 با وجودیکه محصوم و طاهر بودند و غير اينها از مسائل مشکلة و از جمله مصنفاتش رسائل المهم العلياني في جواب
 مسائل الرؤيا و آن دو مسئله اند که شيخ اجل شيخ حسين آل عصفور البجراتي سوال کرده بود که مشتمل است
 بر عجائب ابخاش و رسالة در جواب مسائل سيد حسين بن سيد عبدالقادر و ذکر قضيه موسى مع اخضر عليهما
 السلام و در نيکه اجساد اهل رحمت آيا متکون ميشوند مانند کشفات اهل ارض با يا اند اجساد اهل حنت
 يا از چيز ديگر الي غير ذلك من المسائل و رسالة در جواب مسئله سيد محمد بن سيد عبد النبي در شرح حديثي که مدو
 عليه الرحمة و کتاب علل الشرائع و در بيان خلق ذر و حبا آورده و رسالة در جواب مسائل شيخ محمد بن علي
 بن عبد الجبار القطيفي در معنی قول امام عليه السلام العلم نقطة کثرها الجاهلون و در معنی حديث
 ان السنة ثلثائة و ستون يوم ما احتذلت منها سنة ايام و در معنی حديث ان المؤمن
 انما يحس بالوالتا اذا خرج منها الي غير ذلك من المسائل و رسالة در بيان اينکه ممکن نیست
 شيطان را مثل بصورت انبيا و اوليائه در خواب و نه در بيداري و علت آن جمع فرموده و در فهمين
 حديث مزبور و در اينکه ثابورست که صحیحی تمثیل بصورت سليمان عليه السلام نموده و تا چهل روز حکومت

بر سخت سلیمان کرده و حدیث منام جناب فاطمه علیها السلام و رساله و حقیقت رؤیاء اقسام آن تحقیق
 صادق و کاذب آن و رساله در جواب مسائل نواب میرزا جعفر زیدی در معنی کشف و کیفیتش و در معنی
 سبقت رحمة الله غضبه و غیر ذلک من المسائل و رساله در جواب مسائل شیخ محمد بن عبد الجبار
 و در بیان قول حق سبحانه و تعالی مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله الایه
 و دیگر از احادیث مشکله و رساله در جواب مسائل شیخ عبد الحسین بن شیخ بو صف بخرانی در بیان لغوی کفر و ایمان و رساله در
 جواب مسائل شیخ مسعود بن شیخ سعید که منجمله آنها قول نبوی انا و الساعة کها تین و ایشار بالسبابه و
 العی سطلی الی غیر ذلک رساله در رفع نزاع در میان فاضلین عالمین از علمای بحرین در حقیقت کاف و در
 قول حق تعالی لبس کمثلہ آیا زانده است یا اهل است و رساله در جواب سوال سید عبد القادر بخرانی در باب
 کسیکه ادعای وکیل بودن از جانب صاحب الام علیها السلام کند و گوید که من بجزیره خضر سید ام و نماز جمعه همراه آنحضرت
 فرسجید گذارده ام و رساله در جواب مسائل فتح علی خان در باب اینکه قرآن افضل است یا کعبه و رساله در جواب
 ملا محمد رشتی در باب امکان و آنچه در مکن ممنوع است در واجب واجب است و رساله سر اجبیه
 در جواب مسائل ملا مصطفی شیروانی در باب شعله مرئیة از چراغ و تطبیق آن بعالم و رساله در جواب سوال
 بعض عارفین در کات خطاب ایاک نعبد و ایالک نستعین و رساله در جواب سوال بعض طلبه تفسیر
 قول خدای تعالی نشؤدنی فتدلی فکان قاب ففسین او اد نے و رساله
 در جواب سوال بعض عارفین در باب اینکه بمقابله هر مخلوق از مخلوقات اسمی خاص برای خدای تعالی است
 که همان اسم شوریست در خلق و ایجاد آن مخلوق و رساله در وجودات ثلثه و وجود حق و وجود مطلق و
 وجود مقید و ذکر مراتب و احوال و اطوار آنها و رساله در جواب سوال سید ابوالحسن گیلانی در باب
 برآولوج محو اثبات و نسبت آن بلوح محفوظ و رساله در جواب سوال سید محمد کجا از تفسیر سوره
 توحید و آیه نور و رساله در جواب سوال بعض طلبه در باب جمع میان اجبار داله بر اینکه انبیا و اولیا در قبر
 نمی مانند زیاده از سه روز یا سی روز یا چهل روز و درینکه وارد شده که حضرت نوح علیها السلام استخوان
 حضرت آدم علیها السلام را نقل کرد بسوی نجف اشرف و موسی علیها السلام نقل کرد بدین حضرت

بوسه علیه السلام را بسوی بیت المقدس و رساله در جواب مسائل اصفهانیه در باب شرح قول حضرت
 امیرالمؤمنین ان العرش قد خلفه الله من اربعة انوار الخ و شرح احادیث
 طینت و حدیث ان الشمس جزء من سبعین جزء من الفار الصخری آه
 و رساله در جواب مسائل ملا مهدی استرآبادی در احادیث مشککه و علوم خشتی و آن بسیار اند و رساله در جواب
 مسائل شیخ احمد بن شیخ صالح بن طوق القطیفی موسوم به مسائل قنیطیه و رساله در جواب مسائل جناب
 میرزا محمد علی درک در سب و اشتقاق و شرح حدیث و رق آس و رساله در جواب مسائل امیرالمؤمنین کرمانی در بیان نکات قیمیه در
 سوره بل آتی و شرح بعض مقامات شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و بیان انگیزه که در بر آن حضرت چه چیز بود ^{تفصیل}
 و رساله در جواب مسائل صبیحیه و بیحیه محمد بن سید ابو الفتوح و اسرار قدر و نبیانی اراده و تحقیق السعید سعید فی
 بطنامه و رساله در جواب مسائل شیخ احمد بن شیخ صالح بن طوق رساله در جواب مسائل ملا حسین بافتی در احادیث
 مشککه و فنون خشتی از علوم رساله در جواب مسائل ملا مهدی استرآبادی در علت حذف یا بغیر حازم
 و قول خدا می تعالی والذیل اذا البیر و در باب تفسیر قرآن و حدیث آن و در جمیع بین قول تعالی کل شیء
 هالک الا وجهه و قوله علیه السلام ما خلقتمو للفناء و انما خلقتمو للبقاء
 و غیر ذلک و رساله در جواب سوال ملا مهدی استرآبادی در معرفت نفس رساله در بیان نعم و تألم اهل آخرت و تقابل
 نیران و جنان و احکام الهالی انجا و درجات و درجات ایشان و غیر ذلک من المباحث الشریفه رساله در کیفیت
 سلوک محول الی درجات القرب و الرقی در جواب سوال ملا علی کبر و رساله در جواب از تقلید مفضل مع وجود الدلال
 و رساله در شرح مسئله مواد بطور واضح و رساله در جواب آنچه باثورانی در حدیث قدسی است لولا انما خلقت
 الا فلاک و لولا علی لما خلقتک در جواب سوال سیدالمدین الشیخ محمد الخطی القطیفی
 رساله در تفسیر بعض مشکلات مثل تشبیه دادن حضرت امیر علیه السلام را بشکل راجع الی غیر ذلک من اجوبه المسائل قسبه
 شیخ احمد موصوف در زمینه نوره و جنب ارقامه بقیع علیه السلام واقع است کما شاهده بعض الاعظم من
 الفضلا و بر لوح مزارش این عبات نوشته است هذا قبر المرجوم الشیخ احمد بن
 نرین الدین الاحسانی اعلی الله مقامه فی حصار الکرامه سنه ۱۲۲۳ هـ شرح الفضلا

مولانا محمد شریف الملقب بشریف العلماء بن ملا حسن علی المازندرانی اصلا و الحائری

مسکنا و مدنا شریف فقہای عراق و مجتهد علی الاطلاق و مرجع فضلائی آفاق بود جامع معقول و

منقول خاصه در علم اصول یگانہ علمای فنون بود ملا شفیقا بقصر ب ذکر شلخ و اساتذہ خود آورده و

گفته از منجملہ اساتذہ عالیہ تان سالک سالک تحقیق و عاریح مدراج تدقیق معتن قوانین اصولیہ شریف

مبانی فروعیہ مفتاح علوم شرعیہ مرئی علمای امامیہ مدرس جمیع طالبین و جو از زرافاض الانوار حضرت

امام حسین علیہ السلام معنی شیخ و استاد مرئی والد روحانی ما العالم الربانی محمد شریف بن ملا حسن علی المازندرانی

است در این کتاب او این اقدس کربلای معلی است اکثر عمر شریف در ہما نجا بسر برد

در اوائل اشتغال تحصیل علوم پیش سید تاج القاسم بن آقا سید علی طاب شراہما داشت بعد از آن پیش استاد

آقا سید علی طاب شراہ در مدت زمان تحصیل فتنہ در اصول پرداخت تا اینکه محمود بن الحاسدین

و مستغنی از اشتغال و لائق افتا گردید و بعد از تصدیق جمیع شرائط معتبرہ بود گویند کہ آنجناب مجلس

سباحۃ استاد خود در او اخر تحصیل منتفع نمی شد و اکثر اوقات استاوش از جواب او عاجز و متغیر می شد و باین نحو

بسوی دیار عجم عمان ہمت و ارادت خو این نامت و مصروف داشتہ و در ہر شہر و دیار کہ میرسید پادہ از

یک دو ماہ یا چند ماہ اقامت میفرمود و مشغول بسیاحت بود و منظور نظر اقدس آنجناب ازین سیاحت تحصیل

کتاب و اسباب بود لیکن ممکن نشد و اعانتہ نیافت از کسی نہ از علما و نہ از ظلمہ و رؤسا تا آنکہ بہ زیارت

مشہد مقدس ثامن الحجہ اطہار علیہ السلام مشرف گشت و از آنجا ہمراہ والد ماجد خود باز بکربلائی محل شرفها

اللہ تعالیٰ مراجعت فرمودہ حاضر مجلس استاد خود برای استفادہ شد لیکن ازو منتفع نشد چرکہ استاوش

دران زمان بسیار محزون رسیدہ گردیدہ بود پس مولانا محمد شریف موصوفت ہما نجا بہ مطالعہ و سباحۃ اشتغال

بود و کمال جد و جہد مصروف تا آنکہ چنان مدرس ماہر گردید کہ مثیل و عدیش زمانہ نیافتہ بود نہ در سیاقین

و نہ در لاحقین و مجلس درس او مملو از علمای عظام بود و بیارات الفاس شریفہ او جمعی کثیر در مدت سیر

از خصیض تقلید بسوی اوج اجتہاد ترقی یافت و بود من اول کسی کہ باو اجازه داد و شفقت و نیکی فرمود

من کمال اغف و مہربانی و انضام شفیقا آورده کہ فضیلت ہر کس متاخرست از جناب او در قواعد

اصولیه ماخوذاً از انجناب است و صرفت فرموده شریف خود را در تربیت طالبین علوم دین و جناب او در مجلس
 درس گذاشته بود یکی برای تعیین دو گیر با سه مبتدیان و درس میداد در ایام تعطیل مجامعتی دیگر ازین دو
 جماعت مذکور از طلبه ندیم و در یاد ایشان در شب بر سر و افادۀ مشغول میبود تا نصف لیل و بعد از نصف
 شب مشغول زیارت و عبادت می شدند و این وجه که اکثر اوقات خود صرف درس و افادۀ و عبادت الهی
 در این سبب قلیل التالیف و تصنیف بود و از مصنفات شریفه او که بر وجه قدرت و قلت انداز سواد به
 بیاض نرسیده و سن در باره تصنیف و تالیف بخدمت انجناب گفته بودم که با وجود چنین تحقیقات که افکار
 علمای ماهرین و فضیلتی بجزین و تقیای کاملین از آن قاصر ماندند ازین امر اعراض فرموده اند در جواب
 فرمود که بمن تکلیف تربیت طالبین و تعلیم متعلمین است و آنچه که شما تصنیف و تالیف کرده اید همه از ماست
 و جناب موصوفت در حفظ و ضبط در وقت نظر و سرعت انتقال و مناظرات و طلاقت لسان انجوبه زمان در
 یکانه او ان بود و مثل او هرگز ندیده ام و مباحثه نکرد با کسی مگر آنکه غالب آمد او را و استگافه تمام و بد طول بود
 در فن بحث و مناظره و صاحب تذکره آورده که گویند کتابی از تصانیف او بعضی تمدون نرسیده مگر برخی از
 کتاب التجاره و دیگر سائل متفرقه که تخریر آورده بود و فالتش بسبب طاعون در کرطای علی بهاء و یقعد یا بحجه
 سنه یکم از رود و صدر و چهل شش هجری واقع شد مرحوم رحمه الله از جمله اکابر تلامذۀ اش و حاضرین مجلس افادۀ اش
 جناب سرتاب فقیه عصر و وحید همولانا ابراهیم فروغی که بلانی علیه الرحمة بود و دیگر جماعتی بسیار از فضیلت افادۀ اش
 بهر و کامل برداشته اند از جمله ایشان فاضل کامل فقیه تخریر ثقه عظیم ایشان عالم المعنی جناب آقا سید علی کشمیری
 ادام الله ایام است و صاحب بعضی العلماء بعد از شناسائی جناب گفته که در مجلس درس او زیادۀ از هزار نفر می نشستند
 از جمله آقا سید ابراهیم و اخوند ملا عمیل نرودی و اخوند ملا آقای درمنده می و سعید العلماء بار فروغی
 و آقا سید شیخ بروجرودی و شیخ و تقی نجفی و غیر هم من الافاضل اعظام و العلماء الکرام
 اخوند ملا عبد الجلیل الکرمانی در کتاب مرآة الاحوال تقریب افاضل و اعلام بلد و کرمانشانان
 او روه عالیجناب مستغنی الاقباب فاضل کامل قلیل العذیل اخوند ملا عبد الجلیل است اصل وی از طائفه بکنه
 کرکونی است فاضلی است شمیریه و عالمی است روشنفکر و در اکثر علوم افادۀ پناه و صاحب و نگاه است

و از جمله ملائمه مرحوم میرزا محمد آقا باقر بهبانی بودند و حیدرآباد و کن سمیع شد که بر حجت ایزدی سپوست ازین خبر
 غارم و الم بر دل خیزین شست و از جمله ولاد و امجادش عالیجنابان معلی القابان اخوند ملا عبدالصمد و ملا عبدالصمد
 نهایت مستقیم لطیف و ذکی الدین و معلوم مر بوطند ملا عبدالاحد الکرزازی صاحب کتاب مرآة الاحوال بتقریب
 ذکر اعلام و افاضل بلده کرمانشاه آورده که از جمله علمای آن شهر بود عالی جناب معلی القاب فاضل ناب
 عالم فاضل کامل اخوند ملا عبدالاحد الکرزازی که از جانب سلاطین عظام منصب جلیل شیخ الاسلامی در آن
 بلده قیام داشت فاضلی بود جلیل القدر و عالمی منشرح الصدر و نهایت لسان و ذکی و سلیقه تامه
 در علم صحبت با امرای بزرگان داشت چند سال قبل ازین فوت شد میرزا احمد بن اخوند عبدالاحد
 الکرزازی فرزند ارجمند ملا عبدالاحد سابق الذکر است مولف کتاب مرآة الاحوال بعد ذکر پدر نامدار او
 گفته و خلعت ارشد ارجمندش عالی جناب معلی القاب سلاله الانجاب علای میرزا احمد حکم و رفیقان پادشاه
 عالم پناه بران مقام ذوی الاحترام شست و نهایت احتیاط را در اجرای احکام مرعی میدار و اقلب
 اوقات امور رفعات را بمصاحف میگذرانند و چندی از استفتیان مجلس شریف مرحوم والد را جاد طاب ثراه
 بود و صبیبه وسطی مرحوم مخفور شاه قلی بیگ عم والدین فقیر و حباله اوست و از و چند اولاد دارد یکی عالی حضرت
 رفیع منزلت میرزا ابوالحسن است و باقی نانا اید ملا عباس علی الکرزازی بفضل و کمال بین الاقران
 و الامثال معروف ملا شفیعا در روضه بهیه اورا بتقریب ذکر اساتذ خود ذکر نموده و گفته حاج ملا عباس علی اصلش
 از بلده کرز است و در بلده کرمانشاهان سکونت داشت وی عالمی محقق و مدقق و صاحب تبحر و ساندیده در هر صوره
 بهتر از وی در فهم و ذکا چندی در بلده کرمانشاهان از خردتیش استفاد کرده قدری از کتاب معالم الاصول و
 شرح کبیر اقا سید علی طباطبائی خوانده ام وی از ملائمه آقا محمد علی بهبانی بود و در سادی تحصیل بیایت فقر
 و تنگدستی گرفتار بود در آنوقت استادش اقامی موصوفت نوعی اعانت او فرموده که خوشحال شد و علامی آقا
 احمد خلف آقا محمد علی بهبانی و کتاب مرآة الاحوال بتقریب ذکر علمای بلده کرمانشاهان مرقوم ساخته
 عالیجناب معلی القاب فاضل کامل و مقدس عامل اخوند ملا عباس علی است وی از اهل کزازیست و چه
 در رفیت عالی جناب ملا عبدالاحد سابق الذکر تحصیل مشغول و متی از کزازیان صدائق آقا و اوست

والله ما جهد بود و از تفضل انفس شریفه اش بمداخه علیا رسیده است بغایت مستقیم الطبع و در طلب
علم اوقات پنهان است آخوند ملا محمد صالح که ما نشاهی صاحب کتاب مرآة الاحوال بتقریب
فکر علمای بلده کرمان آورده عالیجناب فاضل الکتاب عالم فاضل آخوند ملا محمد صالح خلف مرحوم
ملا علی نازندرانی نائب الصدیرت وی در فضیلت صاحب و نگاه و در شیرین زبانی در رؤس مجاس
و محافل بی همتا است آخوند ملا محمد صالح که ما نشاهی وی برادر آخوند ملا محمد صالح سابق الذکر است صاحب
مرآة الاحوال بعد ذکر آخوند ملا صالح نوشته که برادر گرامیش آخوند ملا محمد صالح از فضیلتی کبار و علمای
فضیلت شعاری و سی مقدس و صالح است ملا حیدر علی الکرمانی صاحب مرآة الاحوال بتقریب
ذکر معاصرین از ساکنین بلده کرمان آورده عالی جناب فضائل آب خیر الحاج حاجی حیدر علی خلف مرحوم
مغفور حاجی محمد زکی قاضی است که از جانب پادشاه دین پناه منصب قضا در آن شهر قیام دارد و حسب انحصار
و میگویند عالی است آخوند ملا محسن الکرمانی صاحب مرآة الاحوال بتقریب ذکر معاصرین علمای بزرگان
بلده کرمان آورده عالی جناب علی القاب فضائل آب عالم فاضل کامل آخوند ملا حسن خلف مرحوم
ملا سمیع مکتب دار است وی علوم شرعی را از پدر است و الله ما جهد فقیر و معجز هم مغفور و مقدس سعید علی فقیه
الکدوری اقا سید حسین قزوینی و جناب مستغنی الاقاب مجتهد الزمان آقا سید علی طباطبائی استغاده
کرده است و نهایت مستقیم الطبع و صاحب سلیقه و مقدس و زاهد است و برادرش عالیجناب فاضل
الکتاب آخوند ملا حسن شاعر است نظر گفتار و در شیرین صحبتی فرید اعصابت و سهل تخلص میکند آخوند
ملا علی رضا الکرمانی آقا احمد مرآة الاحوال بتقریب ذکر معاصرین خود از ساکنین بلده کرمانشان
نوشته فضائل آب مقدس القاب صالح زاهد طویل النظر آخوند ملا علی رضا خلف مرحوم کرمانی قرمانی است
که زریور علم و فضل آراسته و بحلی تقوی پیر است و بی فرزند و بسیار خسته است و در مرطبه و ضیاع ادرشال
حود ثانی ندارد و با ما است جماعت در مسجد مرحوم حاجی علی خان مشنون است و از غایت وینداری همیشه
مجلس و مقروض است آقا سید محمد بن میرزا احصوم للرضوی معروف بمجتهد قصیر مشهدی ^{علیه}
طویل الباع در علوم عقلی و نقلی و از کلامه حضرت سحر العلوم و جناب آقا سید علی عاملها الله بنظره

الخفی و الجلیست تولیت افتاد احکام قضاء و قیامیه خراسان بدست او بوده و گاهی باصفهان شریف
 می آورد و علماء و اکابر فضلاسی آنها با عزاز و احترام بخدمت انوالا مقام پیش می آمدند خصوصا کهنین محمد بن
 حاجی محمد ابراهیم کرمانی و جناب حاج سید محمد باقر رشتی اعلی الله مقامها بسیار بزرگوار و بزرگوار بودند
 تذکره آورده که آقای موصوف مجتهد عظیم الشان و فاضل ثقه طویل القدر از شاهان سیرت و بزرگواران عصر بوده مجاور
 مشهد مقدس حضرت امام بهام علی بن موسی الرضا علیه السلام بود مصنفات این بزرگوار است از آن جمله کتاب روح
 الرضویة فی الاحکام الشرعیة فارسی و شرح کتاب لعه است و در او آخر عمر خود بزیارت مشهد مقدس کرمانی
 مشرف گشته مراجعت باصفهان نمود و از آنجا ببلده سمرقند رفته از آنجا فانی بعالم حجت جاویدانی پیوست
 گویند که سال یک هزار و دویست و پنجاه و سه هجری بود جنازه حضرت اندر از اش را از آنجا بسوس مشهد مقدس
 رضوی نقل کرده در حرم اقدس آن امام الانس و انس دفن کردند و مردم آنجا از راه تعظیم و احترام
 از یک منزل استقبال جنازه حضرت اندر از اش نمودند عفا الله عنهما مولانا الشیخ اسد اللہ بن
 محمد اسماعیل الشوشتری الکافی فقیه کامل و عالم عامل و داماد جناب شیخ جعفر صاحب کشف الظلم
 است مولانا موصوف در کاظمین شریفین اقامت داشت و در فن اصول و فقه سراسر علماء بود و سید عبد اللہ
 بن سید محمد رضا حسینی در اجاز خود که برای سید کاظم رشتی نوشته تقریب ذکر مشایخ خود میفرماید که از جمله
 مشایخ ما است فاضل علامه و عالم فہامه جامع طریق تحقیق و مالک از منہ فضل بنظر دقیق و معتدب
 مسائل دین و تبحر و مقرب مقاصد شریعت از هر طریق عمیق الہوی الاولی الا و اہ جناب الشیخ اسد اللہ
 دافضلہ و علاہ از مصنفات شریفه اوست کتاب بیخ تحقیق فی مسئلہ التوسعة و التفتیح و آن کتابیست
 مبسوط محتوی بر دلائل و اویہ و بر این شافیہ و کتاب مقامین در فقه و کتاب کشف القناع عن مسئلہ
 الاجماع تقریباً پانزده هزار بیت است از فرزند آن جناب شیخ عالم عامل و فقیه کامل شیخ اسماعیل معاصر سید
 کاظم رشتی است دیگر شیخ حسن که اعمال بقیامیات است و فاضل شیخ اسد اللہ موصوف در حدود شین و نهمین
 بعد لائف اتفاق افتاد الشیخ محمد حسین بن محمد رحیم الکرمانی القنونی الاصفهانی ایتمی از آیات
 ربانی و علامہ فی الظہر و الاثالی فضلش استغنی از اظهار و وصیت کمالش مشہور و در اقطار و اقطار است کتاب افضل

الغروية في الاصول الفقهية شاهد عدل بركمال عبدكم المثال اوست و اعتراضات و
 مناقشات در تمام این کتاب بر قوانین الاصول محقق ابو القاسم قمی که از معاصرین
 شیخت دارو از مجاورین ارض مقدسه خاسر ال عبا علیه السلام بود ملا شفیعا در روضه
 بیتہ اورا بہ عالم فاضل و محقق و مدقق ستوده گفته جمله مصنفاتش کتاب الفصول فی
 الاصول ست مشہورست کہ جناب سید ابراہیم قزوینی از تلامذہ شیخ موصوفت فاش
 در ۱۲۵۳ بکزار و دو صد و پنجاہ و چہار در کربلا سے علی اتفاق افتاد مولانا ایچ
 محمد تقی بن محمد رحیم الاصفہانی از اکابر علماء فحول و در علم اصول و برادش
 محمد حسین صاحب فصول و داماد شیخ جعفر نجفی صاحب کشف الخطایطاب نراہ بود
 و ہم نسبت تلمذ بنیست شیخ جعفر موصوف و حضرت بحر العلوم آقا سید محمدی طباطبای
 بروجردی داشته از تصانیف شریفہ اوست حاشیہ مبسوطہ بر کتاب معالم الاصول
 کہ مشہور بہ نوادر تحقیقات و تدقیقات است بین اہل الاصول و العلماء الفحول متداول
 ہوا ہستہ تمام دارو شیخ موصوف از نجف اشرف بسوسے اصغمان ہنفت فرمودہ در
 بفضل و اجتہاد میان سائر اقران از علماء اعیان امتیاز داشت و در ہمان بلکہ
 داعی حق را لبیک اجابت فرمود ملا شفیعا بتقریب ذکر معاصرین علماء کہ در عہد او وفات
 یافتند شیخ موصوف را ذکر کردہ و بفاضل کامل و عالم محقق مدقق فقیہ ثبیتہ ستودہ و گفته
 وسے از اکابر فقہا و اصولیین و مدرسین معروفین است و صاحب قصص العلماء
 کہ جناب شیخ از صاحبان علم اصول و از تلامذہ شیخ جعفر بحر العلوم است اورا حاشیہ
 بر معالم ہست کہ فی تحقیقہ تحقیقات و تدقیقات را شامل و استقصا را اولہ و اقوال را
 کافل و در مباحث الفاظ گوی سبق از سیدان امکان را بودہ آقا محمد جعفر بن آقا
 محمد علی بن استاد الکمل آقا یاقرا لبیحالی آقا احمد برادر او در کتاب
 مرآة الاحوان نگاشتنش بدین عنوان آورده عالی جناب علی القاب زبدۃ الاطیاب

و نقاوة الانجاب فاضل ربانی و عالم صدرانی مقدس بی نظیر و ترا در روشن خمیسم
 عمدة المحققین و قدوة المبتدین العالم المظفر آقا محمد جعفر دام ظلہ العالی فرزند اکبر
 ارشد والد بزرگوار بحدت فہم و استقامت سلیقہ و جامعیت فزون علمیه خصوص صل
 و فہم موصوف و بزرہ و تقویٰ بین الاملام والا فاضل معروف طبع شریف نقا و باجم
 و کاسد و محاک ناقص و کامل و دوست دریا نوازش رشک ابر بہار و بحال ابن فقیر و مگر
 برادران نہایت رؤت و نیکو کار و در تواضع و فروتنی یگانہ روزگار و پیوستہ لجا فقیر
 و ضحفاست و لادت با سعادتش در بلکہ طیبہ کاظمین اتفاق افتاد و با والد مرحوم
 بایران رفتہ و مدتی در وارالمونین قم در خدمت بندگان فاضل کامل عالم عامل مرجع
 اکابر و فاضل مجتہد الزمان مطاعی جناب میرزا ابو القاسم چابلاقی مدظلہ العالی
 مصنف کتاب قولین الاصول و غنائم الایام و مرشد العوام و غیرہ آلمند نمود و ابرکت
 تربیت و الفاس آن وحید دوران از فضلای عالی شان شد و بعد از ان چند مدتی را
 در خدمت والد بزرگوار با استفادہ مشغول گردید و برخی از ایام را در مجلس شریف بندگان
 مستغنی الالقاب فرید اللہ ہر وحید العصر جناب میر سید علی طباطبائی مدظلہ ابرستمان
 افادات شرعیہ میبود و از افضل جناب باری و امداد الفاس شریف آبا و اجداد و علما
 او تا و بدرجہ کمال رسید و صبیئہ مرضیہ عالی شان معلی مکان میرزا احمد ناظر حاجی علیخان
 مرحوم را در نکاح و جلالہ خود در آوردند و لطوات حرمین شریفین و عبات عالیات مشرف
 شدند و در ارض اقدس کربلا سے معلی زوجہ مذکورہ بر حمت ایزدی پیوست پس ہمیشہ کلمہ
 معظمہ عالی جناب معلی القاب عالم فاضل خیر الحجاج اخوند ملا محمد صالح ما از درانی
 نائب القدر بلکہ کرمانشاہان را نکاح نمود و درین اوقات در آن بلکہ توقن دارند
 و حکام فوی الاحترام و اعزۃ و اعیان و رعایا و بر ایار شتہ ارادتش برگردن و حلقہ
 اطاعتش را در گوش دارند و حضرت ظل آلہ بادشاہ مجاہد را باوسے رسم مراسلات

و نهایت لطافت و تهربانی و اشفاقست لمامت جمعه و جماعت و اجرای حدود و مقررات
 شرعی بحدتش مرجوع و باین شایسته بانجام میرسانند و بسیار گوشه گیر و عزلت طلبند
 و مجلس تا بحد ضرورت نرسد لب سخن نمی کشایند ادنی تمیندش اگر با او دعوی همی بلکه
 برتری کند اصلا ملول ورنجور نمیشوند و بسیار است که در عالی مجالس شاگردان لب با فاده
 کشوده اند و آن بزرگوار از جمله مستمعانست غضب را در مزاحش راهی نیست هر که با او بد
 کند بجز احسان چیزی نمی یابد بعد از والد بزرگوار هر که اندک سواد عربی داشت علم علم را
 بر فراخت و کوس لمن الملک را نواخت بجز آن بیگانه آفاق با آنکه مجتهد علی الاطلاق
 بود با احدی بطوریکه شیوه علمای دنیا دار است سوی رفتار نمود بلکه سپیدیم که در دل
 بسیار خوش بود که شاید این حرکات سعین انزوا و گوشه گیری او شود و لکن بی الله
 کلا ان یتیم نورا شرح مختصر شرح مفصل تمام شرح عمید الدین بر تهنید الاصول
 علامه و حاشیه معالم الاصول و ستون و رساله بسیار در فقه و اصول و جواب مسائل مشکه
 از کلک بدائع نگارش در صفحہ روزگار بیادگار است اولاد و مجادش آقا محمد صادق
 محمد کاظم و یک صبیبه است از لطن زوجه اولی و از لطن زوجه ثانیه درین اوقات شنبه تمام
 پسرت عبد الله نام و یک صبیبه و قد شیمی آقا محمد صادق صبیبه مرضیه عالی جناب
 آخوند ملا صالح سابق الاقاب را نکاح کرده است و دختری از ان متولد شده است

از آقا محمد صادق

آقا احمد بن آقا محمد علی بن آقا باقر البهبهانی برادر آقا محمد جعفر سابق
 است اخذ علوم و استفاده فنون از والد علامه خود و حضرت بحر العلوم و شیخ جعفر نجفی و
 آقا سعید علی طباطبائی و غیر ایشان فرموده و از ایشان اجازه روایت دارد و از دیگر
 افاضل کرام همچو فاضل ربانی میرزا احمدی شهرستانی و جناب سعید محسن بغدادی و جناب
 شهید رابع میرزا احمدی موسوی مشهدی و فاضل کامل علامه قاضی اجازات حاصل
 ساخته و در سده پنجاه و دو و صد و بیست و سه سفر هندوستان نموده و از ولایت سعید آباد

میرزا ابوالقاسم خان بهادر مخاطب بمیر عالم که مختار سرکار نظام بود مقدم اورا گرامی داشته و
 در عهد نواب سعادت علی خان مرحوم بکلمه و فیض آباد و گلگت و غیره رسیده حالات مفصله
 به کتاب مرآت الاحوال جهان نما که از آثار قلم فیض شیم او بر صفحه روزگار یادگار است در دست
 در نجف عالی از حال خیر مال اوسع ذکر تصانیف شریفه اومی نگار و ولادت او در ماه محرم سنه
 یکهزار و یکصد و نود و یک هجری در بلده کرمانشاهان که از بلاد طبرستان علی شکر از حد و دایره است
 واقع شده و در سن شش سالگی شروع بدرس قرآن مجید و کتب فارسیه نمود تا دو سال تقریباً
 تحصیل نحو و صرف و منطق و سماع و کلام و ریاضی و نحو آنها از مقدمات پر وخت کتب فقویه را
 بخدست والد ماجد خود استفاده فرموده و در سن پانزده سالگی شروع در تالیف نموده حاشیه
 بر فوائد صمدیه و غیر آن از رسائل نوشته و تا یک هزار و دو صد و دو هجری خدمت والد ماجد خود بسر
 برده با استفاده علوم شغل و زید از انجالبشوق عنبر لوسی مراقبه طاهرین علیهم السلام را
 اختیار نمود در بحث اشرف خدمت عالیجناب معلی القاب فاضل مقدس سجیدیل و زاهد غائبیل
 اخوند ملا محمد اسماعیل یزدی که از ارشد تلامذه بحر العلوم بود کتاب معالم الاصول را بنهائش
 استمدال قرأت نموده و نیز در کتابه آورده که عالم پیش فاضل عالم کامل شیخ کلمه می مشهور گشته
 می دیدم و افادات هر دو بزرگوار را با آنچه بنحاطر میر رسیده بنوع حاشیه بر آن کتاب بنوشتم تا مدت
 شش ماه تا بحث او امر و لواهی خواندم امید از آن کتاب وافی فاضل مقدس ملا عبد اللہ توی
 را در خدمت افاضل سجیدیل سابق الذکر خواندم در آنوقت شروع کردم بنوشتن کتاب در الغرر
 و چهار مجلد و قریب بیست و پنج هزار بیت نوشته شد درین اثنا خدمت بحر العلوم حاضر شدم و در وقت
 خلف ارجمند ایشان جناب آقا سید محمد رضا جمعی دیگر از طلاب زبده الاصول شیخ بهائی
 نظرم آنجناب را که در فقه تالیف فرموده استفاده میکردم همچنانکه در آن وقت و تالیف بودم
 که از حضور والد ماجد خطی رسیدی شملک طلب من آنخاره بکلام استلذم این آیه برآمد اجدادک
 علی ان تشرک بی ما لیس لک به علمین لا تطعنهم پس از اینجمله

بوالد نوشتم و معذرت خواستم قبول فرموده اجازت توقف دادند چون مدت سه سال تقریباً ایام
 مفارقت بطول کشید بجهت دریافت فیض خدمتش بکرامتشان معاودت کردم مدت یکماه توقف
 کرده مراجعت نمودم و خدمت جناب مستطاب معالی القاب شیخ المحدثین زبدة المدققین و
 عمدة المحققین استادی جناب شیخ محمد جعفر نجفی باستفاده کتاب استبصار و شرح قواعد علامه
 که خود تالیف میفرمودند مشغول شدم و از حضار آن مجلس شریف بوده عالیجناب آقا سید محمد رضا
 سابق الذکر و آقا محمد تقی خاله زاد من و میرزا رحیم خلت میرزا تقی قاضی تبریز و سید ابوالقاسم
 معروف بسید میرزا خلت آقا سید حسین نهاوندی و شیخ موسی خلت جناب شیخ و شیخ محمد علی
 اعظم و شیخ محمد بن شیخ صادق و آقا محمد علی خلت مرحوم آقا باقر هزارجری و آقا محمد بن آقا
 کمال و غیر ایشان که هر یک از فضیلت نامدار و علمای فیضت شعارند و بعد چندی به بلده تم
 رفتم و بنجامی از طلاب شرح لیس و وفیة الاصول را خدمت صاحب قوانین میخواندند و بر ختم نافع
 شریعت میباشتم و بنظر صاحب قوانین میرسانیدم و اجازه بدادین مرحمت فرموده انتمی بالجمله بایضا
 ارشاد و مرتبه عالیة استعداد اوزار کتابیة الاحوال حاضر باهر نقل اجازات علمای اعلام که بنام
 او نوشته اند در آن کتاب ضبط فرموده بخون تطویل اقتصار بر قدری از عبارات اجازه افروند
 ما حمزة بنی منی بنی ابرحیث قال بعد الخطبة وبعد فيقول لفقير الحقير الى الله الغنجة
 بن سلطان عجل القاتني الخراساني مولدا والطيب مسكا هداهم الله سواء الطريق
 واذاقهما من لحيق التحقيق لما كانت عادة مشائخنا واسلافنا الاستبازة في نقل
 اخبار الامم الاظهار لاتصال لسلسلة اليهم صلوات الله عليهم اجمعين وكان
 ذلك مما يتبركون به لذتهم وكان ممن تأهل لاختلاف الاجازة في هذا ان العالم
 العامل الرافع مراتب العلم الى غاية القصوى البالغ منزلت الى مرتبة الاجتهاد
 والفتوى نور حدة الفضل والكمال نور حديق العز والجلال ناشر حركتك

الشریعة ابا عن جد المولی المعظم فا احمد رفع الله الی علی درجات الکمال ووقف
 الی ارتقاء مدارج الفضل والافضال ابن الفاضل ^{الکامل} العلامة المجتهد الفروع
 والاصول المحرم المغفور الواصل الی رحمة الله الغفور اقا محمد علی الشهد
 ببها کن روح الله روحه فاجزت له ان یروی عنی الاخبار المروية عن
 التی المختار والائمة الاظهاریة الکتب الاربعة المشهورة فی الاعصار
 الامصارین جملة کتب اصحابنا الابرار اسکنهم الله دارالقرار من العلم العقلیة
 والنقلیة ماکروية عن شیخی ومعتدی قطب فک السیاسة مرکز دائرة
 السعادة افضل الحکماء والمتکلمین اعلم العلماء والمتشرعین الشهد
 الثالث المویذ بالتائیدات السجانی المغفور المیرزا محمد مهدی
 الحسینی الموسوی الخراسانی عن شیخی واستاده اقا بهاء الدین محمد
 عن شیخی میرزا بدرالدین محمد عن شیخی محمد البحر العالمی وطریق
 الی الائمة المعصومین فی الوسائل مسطور وعن شیخی واستاده الشیخ محمد
 مهدی الفتوی النجفی عن شیخی ملا ابوالحسن عن شیخی شیخ الاسلام المسلمین
 ملا محمد باقر المجلسی قدس سره وطریق الیهم علیهم السلام فی البحار مذکور
 وعن شیخی واستاده قدوة المتقین شیخ خاص الائمة المعصومین جده جانا
 المستحیذ اقا محمد باقر الشهیر ببها کن ایتة الله فی العالمین وطریق الیهم مشهور
 انتهى بقدر الحاجة تصانیف او بنا بر آنچه در کتاب مرآة الاحوال مرقوم ساخته نیست عاشره صده
 سمانه مجودی که در کتاب انشا بان در بدو سن تالیف کرده تقریباً دو هزار و هفتصد بیت است سمانه
 نور الانوار شرح آیة بسم الله هزار بیت است کتاب در الغرر فی اصول الاحکام الالهیة که در
 نجف اشرف تالیف ساخته قریب چهل هزار بیت است شرح مختصر نافع از اول تا بحث غسال
 که در بلد قم تحریر فرموده قریب شش هزار بیت است رساله قوت الاموت وواجبات صلوة و...

یکجلد آن تصنیف و آمده سه هزار و پانصد بیت است جواب مسائل مرشد آباد و آن پانصد بیت
 است بیع الازهار و مسائل تفرقه حصول فقه و آن هزار و پانصد بیت است جزو اول کتاب
 مخزن القوت شرح قوت لامبوت که در فیض آباد در مدت چهار ماه نوشته دو هزار بیت است
 رساله تحفة المجبین در مراتب فضیلت حضرت امیر طاهرین علیه السلام و اثبات خلافت ائمه
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام که آنهم در فیض آباد نوشته تقریباً سه هزار بیت است جواب مسائل
 فیض آباد تقریباً یک هزار و سه صد بیت است تاریخ نیک و بدایم که با تاس مختار و علیا بسوی یک
 جواب حضرت اله دله مرحوم در فیض آباد نوشته و آن سه صد بیت است تاریخ ولادت و وفات
 سادات ائمه اطهار علیه السلام و آن نیز سه صد بیت است تاریخ لغوی استنبه الاموال و احوال
 شایسته انبیا و خلفا و حضرات ائمه و غزوات حضرت امیر علیه السلام مطالب پند که در کتب نوشته
 قریب سه هزار بیت است عقد الجواهر لسان و در جواب مسائل حیدر آباد و آن هزار و شصت بیت
 است تنبیه الغافلین که در لمبهه لکنه تصنیف ساخته و آن هزار بیت است رساله کشف الرین لمین عن علم
 صلوة الحجة و لعیدین مرآة الاحوال تقریباً پانزده هزار بیت بوده باشد رساله کشف الشبه عن حکم ائمه قریب هزار
 بیت است و عدد ابیات مجموع آنها نود و پنج هزار بیت است تقریباً جدول احکام شکایات نماز
 وی از اولاد ذکور پنج فرزند داشت آقا محمد اسمعیل بن آقا محمد علی البهبهانی
 برادر آقا محمد سابق الذکر است و سبط استاد الكل آقا بقر بهبهانی علیه لازمه همالات نام داشت
 و مرآة الاحوال جهان نمایان عبارت مرقومست عالم فاضل کامل نبیل مقدس زاهد صلح
 جلیل بیدیل آقا محمد اسماعیل اطال الله بقاره بهین ازین فقیر کوچک است اگر خوف نشان بسیار
 نکته گیران لسان نبود هر امینه اشوب بسکینه قلم را در میدان محامه جمیله آن نور چشم گرامی اندکی جلو
 می نمود و ولادت با سعادتش در دارالمرز رشت از طین علیله جلیله رشتیه مذکوره اتفاق افتاده
 و تحسین راتب علیه راجندی در خدمت والد بزرگوار و چند در خدمت برادر نامدار و چندی در
 خدمت بندگان امیر سید علی سابق الاقاب کرده بسیار نکته دان و دقیقه یاب و خوش تقریر و

نیکو تحریر و در مایم خاصه در اصول و فقه نهایت روشنی و عاریه مطایع عالیه و جامع فضائل و محامد
 جمیده است و در اول امر صبیحه مرغیه جناب سید معظم الیه را که عموزاده است نکاح نمود و از چند اولادش
 فوت شدند و بعد از چند وقت بهت سوز مزاجی که فیما بین ایشان شد تفریق اتفاق افتاد و کمال صلیبه
 نالیجناب جانی موسی از زمانی سیر ازین العابدین طیب اصغری در نکاح اوست و از ظالفة کلمه نیز نکاح
 کرده است و شنیده ام که درین اوقات دختر عالی جناب معلی القاب اخوند ملا شریف خلیف حاجی
 عرب را که از بدو سن و طوقولیت الی الان از رفقای ما برادر است و با ما یار و رفیق و رفیق جانی
 و بنایت نیکو اخلاق و خسته اطوار و مقدس و صالح و صاحب فضیلت است در نکاح خود آورده است
 و درین اوقات با اتفاق خیر نکاح حاجی شهباز خان کلهر نیز باریت مکه معظمه مشرف شده در ازانی که
 در ایران بودم یک رساله در فقه و یکی در اصول مینوشت معلوم نشد که بدرجه اتمام رسیده یا نه
 و اولاد و مجادش از زوجه اش برخوردار محمد مهدی و محمد صالح و محمد مهدی است و محمد مهدی ازین
 زوجه کلهریه است و احوال باقی در نیوقت معلوم فقیر نیست آقا محمود بن آقا محمد علی بهیجا
 برادر کوچک آقا محمد اسماعیل و آقا احمد سابق الذکر است در کتاب مرآة الاحوال ذکر او باین عنوان
 آورده عالم فاضل متقی کامل صاحب اخلاق پسندیده از چشم گرامی آقا محمود و فقه الله الملک
 الودود از نور چشمی آقا محمد اسماعیل اصغر و باین فقیر در لطن متحد است فاضلی است عالی شان و
 عالمی است به نام و نشان بفضائل و محامد صوری و سخنوی موصوف و بعلم و حیا و تقوی معروف
 و لاوتش در بلده کرمانشاهان اتفاق افتاده مراتب شرعی را در بدو امر در خدمت والد بزرگوار
 تحصیل نمود ویرا باو شفقتی تمام و رافتی تمام بود و برخی در خدمت برادر نامدار و این فقیر استفاد
 مشغول شد و چند روزی از استمعان افادات جناب آقا سعید علی سابق الالقاب دام ظلّه
 و مدتی را از گلچینان حدائق افادات فاضل تحریر و عالم بی نظیر زبدة المجتهدین و عمدة المحققین
 استادی جناب شیخ محمد جعفر نجفی دام ظلّه العالی بود و بعد از آنکه سبانه عاریه مطایع علیا و جامع
 مراتب فضل و زهد و تقوی است و درین اوقات بسراغ رسید که بهت تحصیل مراتب عقلیه به ابرار

اصفهان رفته در آنجا صبیبه مرضیه عالیجاه شاه قلی بیگ بیکدلی را در نکاح خود آورده است و سموع مشرف
 که از فرزند بی شده است محمد کاظم نام مولانا سید محمد بن سید صالح الرضوی الکشمیری
 عالمی خیر و فاضله تخریر و قانع گوشته گیر از فضیلتی کشمیر بود راه زهد و قناعت و صبر و رضاد
 در عبادت و اتقایی پیوسته و شبها اکثر بیداری و صرف عبادت باری میفرمود و کمتر چشمپا
 حق بن آن سلاله سید المرسلین اخوان می بود

به نیشب که همه ست خواب خوش باشند من و خیال تو و ناله های که در آلود
 با بچه جناب سید همواره بمطالعه کتب و درس و تدریس کتب دین مشغول بوده براه کتب
 فریقین اطلاع داشته و سعت نظر آنجناب از توفیق شریفه اش ظاهر و باهرت و غالباً
 علمش بر طریقه احتیاط بود و در هر فن از حدیث و تفسیر و کلام و معانی و بیان و فقه و نجوم و جبر
 و تواریخ و بعضی از علوم نا دوره اطلاعی و اقرب است گاهی با هر درشت و تحصیل علوم از پیش عالم
 ربانی و فقیه صمدانی ملا محمد تقیم که یکی از اکابر فضلاء کشمیر بود فرموده و اکثر در حضور و سفر همراه آنجناب
 بوده حتی که در سفر که ملائی موصوف بجانب لکنو نموده جناب سید همراه بوده و پدر بزرگوارش
 سید صالح که مرد صالح و عابد و تقوی و پرہیزگار بود چند بار زیارت مرقد مطهر و مشہد مکرم خود
 حضرت امام رضا علیہ آلاف التحية و الثناء مشرف گشته اکثر اوقات در سفر میبود تا آنکه بشهر کشمیر که
 مقام مسکن و محل توطن او بود مراجعت میکرد و در آشنای مراجعت در بلده کابل وفات یافته
 و مرقدش لیش در هانجا واقعست سموع گردیده که ابالیان آنجا زیارت مرقدش میروند
 و جناب سید موصوف صبیبه ملا محمد قاسم را که داماد آخوند ملا محمد تقیم موصوف بود بعقد خود
 داشت آنچه از حکایات زهد و ورع و پرہیزگاری جناب سید موصوف و انہماک در عبادت
 و صفائی نفس قدسیہ و ارتباطی که بعالم قدس داشت لسمع راقم رسیده بسیارست و رساله
 جداگانه باید تا حصصی آن شود بالجمله اشتغال جناب سید در آنجا حوائج مومنین و تصدقات
 در دین بسین بسیار بود و رحمت و شفقت بی شمار در فقر و فاقه برای تحصیل علوم کشید تا این درجہ رسید

از جمله تالیفات جناب سید سید جلد کتاب بنظر رسیده و آن هر سه بطرز کشکول اند مملو و مشحون از
 نواد تحقیقات و غرائب تدقیقات علمای سابقین و سل احادیث مشکله و بسیاری از فنون مختلفه
 از کتب سابقین نقل فرموده و یک مجلد از آنکه بسیار ضخیم است با نامی ایمن موسوم شده جناب
 سید و پسر داشت یکی از آن علامه نحریر و مجتهد نزه النظر آقا سید علی شاه طاب ثراه که اول
 نیرالش در اوراق آینه اشارت مسطوره خواهد شد و دیگر سید عبدالرحمن الله که در سنه رابع
 و اربعین بعد الالف و المائتین در عنقوان شباب سن سجده سالگی تعلق در ریای رحمت الهی
 شد و چون خلف ارشدش آقا سید که در سنه تسع و ثلثین بعد الالف و المائتین در کشمیر بقصد
 تحصیل و تکمیل بسوی عتبات عالیات رفته بود از جهت الم مفارقت او حال جناب سید صفدر
 نهایت تنگنویز گردید و بر الم مفارقت چنین پسری بعد وفات یک پسر جاوه صبر و رضا نمود و تا
 با جد او ظاهرین خود فرمود و در او آخر عمرش منتظم الدوله نواب محمدی علیخان وزیر الممالک
 بیت السلطنت لکنه که در فرخ آباد اقامت داشت مدوخرج برای جناب سید میفرستاد و در همان
 زمان آقا سید علی شاه بفرخ آباد آمد و از آنجا بکر بلائی معارف چنانچه در ضمن احوال آنجناب مرقوم
 میگردد لفقته آقا سید علی مرحوم وقت مراجعت خود از کر بلائی معالی بفرخ آباد و بنامی اقامت جمعه
 جماعت در آنجا خطوط متواتر بنیست و الی ما بعد خود نوشته که محصل اکثر خطوط این بود که من اینجا
 هستم و نواب موصوف تکفل و خدمتگذاری و ترویج شریعت مصروف اگر مصلحت دانند اینجا
 با عیال خود و عیال من تشریف آرند و اگر حکم شود من بنیست عالی در کشمیر حاضر شوم آخر الامر آقا سید
 صفدر با عیال خود و عیال فرزند خود بفرخ آباد تشریف آوردند و از آنجا هر دو بزرگوار با نواب
 موصوف بلکه تشریف آوردند و بعد از آنجا مرض الموت مبتلا شده آخر روز شنبه هفتم ربیع الثانی
 سنه خمس و خمسين بعد الالف و المائتین من الهجرة ازین دار فانی بهشت بناه و ازین مملکت فرود
 ارباب و نش و استعداد بسیار قطعات در تاریخ وفات آن شریف فرموده و در تاریخ وفات آن شریف
 جناب سید محمد عباس الشوشتری الجزائری اودام الله تعالی خلاصه در تاریخ وفات آن مرحوم

این دو قطعه عربی را بشناسید و درود

یبعده الموت من الوهم وما اقرب به اعربا لعجم من الامم فصل يشتهبه وعتيا طلق من يرة اعجب به ماله الموتى الاعلى صاحبه شد في الناس له المثل وقل الشبه عبد الصفد والحيد قد رحبه	اله من الذهب الا ينتبه اسفل الصبر وورق يتناد محورا كان الصفد بالاسم جلوس معنا وهو اليوم على الارض طير في ذرا كان والله تقيا ورعا متديبا نظرو العبد سني الهجرة في مصر
--	---

وله

فاخملت اعين اهل التقى هـ مالك الموت سرى في الثرى اصبح يفتاب عليه الصبا العنقة والسر فعة والاكفا عن نظر القلب ما ان نامى انكسفت شمس سما العلى	انطمت انجم بريح الهدى سيتنا الصفد رلمات كان لطيفا عطر الخلق اذ يا عجباً من لحد قد حوت غاب عن العين ولما يغيب زد الفاء اتل لتاسيحه
---	--

السید غنی نقی الرضوی مولد و نشان او قصبه زید پور از توابع بلخه که کتب و دست
وسه فاضله خیر و از تلامذه جناب علی بن مکان آقا حسین طالبه شاد بود مولد و کاتب
بتقریب ذکر تلامذه جناب سید العلماء نوشته که جناب سیادت و کمالات ماب بر لومی سید غنی نقی
مرحوم که در اکثر علوم سیما در فنون ادبیه و در سیه و معقولیات و لغت عرب و غیر آن بجز عظیم و دست
در صفای ذهن و وجودت قرینه و کمال ذکا و نقادت طبع گوئی سبقت از قرآن ربوده گاه بی
کلامیه زبان در بیان را آشنا نظر نموده مگر آنکه جانب مقابل را لازم فرموده بسیار عذر و محتاط
بود و بزیر علم و علم آراسته و بکلیه اصلاح و تقوی پیراسته بود و در انیمه تهذیب اخلاق و انکسار نفس

و توافع و فریقینی ز احوال و صف داشت جمعی کثیر از طلبه علوم از پیش درس او استفیده شده کمال
 فضل رسیده اند آن قدره ارباب فضل و تقدس در ماه رجب سنه یک هزار و دویصد و پنجاه و هفت هجری
 بر حمت حق پیوست سن کشته یغیش قریب سی و هفت سال بود جنازه مغفرت اندازد اش را از
 لکن بجز سینه الله بسوی قصبه زید پور که موطن مالوفش بود نقل کردند از تصانیف عالیه اش ساله
 فرقیه در لغت است که در آن فرق میان لغات قریب المعنی را بیان فرموده و نهجیکه اکثر اهل علوم
 از طلب و فقه و منطق و حکمت و غیر آن را بکار آید و در تصنیف کتاب تلخیص اللغات که جمعی از مکتوبات
 لیسنت با بر ساطانی در چندین مجلدات ضخیمه بحجج آن پرورخته بودند مشاکرت غالب داشت
 حتی که ابزاری آن بعد اصلاح و تصحیح آنجناب به بیاض رسید بلکه گویند که تصنیف بعض مجلدات
 مختص آنجناب است و رساله در شرح دعای صباح نوشته بود که نوبت تبیض آن نرسیده
 و همچنین رسال دیگر هم دارد که در مسوده مانده و نوبت اتمام نرسیده رحمه الله تعالی نتهی
 مؤلف گوید که بسیار از فضیلتی معاصره بن امر حرم او عان فضل و کمالش داشتند و غایت اعزاز
 و احترام در تحریرات خود مرعی داشته خصوصاً جناب مستطاب علامه زمان مولانا اسید محمد عیاض
 التشری دام علاه و مدنی بقا که اکثر اوقات سلسله سورت و مکاتبات با وی مربوط داشته
 و با اعزاز و احترام در عبارات مراسلات خود او را یاد فرموده چنانچه علامه موهبوف در کتب خود
 که در سنه تسع و اربعین بعد الالف و المائتین بعد اشعاری چند که در وصفش انشائوده غیر
 المصقع العطرین و البدر الیهفوف تمقام الفضلاء الاحجاج النبلاء
 سبده السادة عربین القادة مرکز الکمال قطب السعادات التتم
 لکارم العادات الحادی لحاسن الصفات صاحب الخلال اماثورة
 والحضال الحمیده الموفرة التي لو حل ارسطاطاليس في حضرة بهجت عن عوائد
 حکمته حدة فطنته بجدید س کما فی الضمائر قبیل الاظهار و یکاد زینقا
 یضوی لولم تسمه نار الورد القلمتق البارس اللوذعی الا حوذ ذوالعظیم التقوی کما

العلامة السيد غني نفق لا زالت تمارق افاداة مصفوفة وذراني فيوضاته مبدثة
 وازجده مكاتب اشجاب كه جواب بعض رسائل علامه ششتری دام طله تحرير فرموده چون شغف من نظم
 و نشر است برای ملاحظه ناظرین ثبت نموده

<p>فان عبدا غيرة شقينا كليل الذكركم هموم حزين الى العلامه المحيد الفطين هيا حيث كالدس الثمين يماكي نفحة عن ياسمين و لوج القوم في جسم الحنين يزج الكعب من قلب لطعين الى اتباع سيدنا الترحمين على من علمه علم اليقين هيه شمس في الاضائة باليقين على محبوبه ذات الجون لايقن حسن جوهره الرصين صديق صادق خلد خدين حليف الفضل والحياه التكين سماء المحيد والغرض المبين بالاف الصراعة والحنين هوى نحو التراب على الجبين تفوق الورد بل خلد الحسين</p>	<p>بسم الله وبه بدينا كتاب من هجين مستكين كتاب كله حب وود نسيم الصبح بلغه سلاما سلام طيبه يسوع عبدا سلاما ليس يشبهه كما لا سلام عبقرى حاز حسنا سلام من اليق السقم طرا سلام حفا بالاخلاص كلا سلام مستنير لا يضا كلون الورد كابل عين تبار على من لو تحدى جوهر تيا على انس اين ذى انتخاب على خلص اريب معمر على قطب الجزالة والمعالي على من داره اهوى اليها على من ان اتاه الورد وريب على من في لطائفه معان</p>
--	--

مجان
 تبارك
 تبارك

اليف الجود مسحة الثعوب ظهير شريعة ومعين دين عاظم بالسيوت من اليمين	هو العظريف قاموس المعاني حسيب وكلمات وعلم له باب عحيط للسرايا
--	---

وهو دري سماء السماء والسمو محور دائرة الذكاء وذكاء العلو واحد الدهر دائرة
 الاغصان الجوهر الفرح الذي لم يات بمثيلة الفلك الدوار البليغ المقول اليلع
 الجليس الكمال الخنذيذ القمصوح السر سوره المحلا حل الماه في الامور صاحب البر
 الوافي ملك الذهن الصافي ذو الطبيعة المستقيمة التي تعلو نتائجها الشرح
 والجمان يبايع عندها عقود الدراري بالمجان المستوفى قسطا وافرا من المعقول
 والمنقول الفائز بالقدح المعلن من الفروع والاصول الخليل الجليل الفائز على
 اياس الصديق الصديق الاريحي مولانا السيد محمد عباس لازل مجيدا وما يرجح
 وبعد فقد هبطت الى محرقه كريمة ومخاطبة باهرة عظيمة منطوية على دلائل
 الاعجاز تخوي طرف الحقيقة والمجاز كأنها جوهرة بجمية وفريدة سنية تحتوي
 على افادات رائعة تنشط الازهان وتتضمن على بدائع شائقة تسابق سمعها
 الاذنين محلا لجلل ترها عيون البصائر ونسبة بقلاد لم يحيط مثلها في الضمائر
 حروفها بسنة من ادارة الكوس وخطها لجل من اصناءة الشهور لطافتها الثعابين
 تنبئ عن لطف معانقة الشائق بالمشوق والفاظها الحسان الحسانية اشخص من
 الحيرة لدى لثيف المدقوق مثل سطورها كمثل جبات تجرى من تحتها الانهار
 يسبق ما فيها من النوادر نحو الجنان قبيل الاظهار كلماتها الطيبة اعذب من الفضا
 تشل على فصم مستعذب ابهى من موصلة الاحباب تسبح حمامات البراعة على
 جذوع معانيها وتترنم عنادل الفصاحة على اذان مبانها مما سنها بمثابة ليس لها
 في حسنها نظير ولما ينجم على منوال محورها اديب نخير اشهد ان صاحبها السلام

اليف الجود
 بانوار الدين
 بعبات شريفة
 غنق
 بغير الحار الكور
 قوس
 تامر
 العالم
 نتج
 فيصيا
 كذا

اوحد لا عصا ابلغ اذ باء الامصار ليس احدا يعارضه في شذو سما
 فوائده من النظم والنثر ومن ذواته كما لا في هذا المعصر فاستلذ
 العبد المخول بثمراتها واستحلى من حلاوة فكائها لكن لما كانت ينسب
 عن عدم التفات سابقها الى تصحيح ما في الرسالة من الخلل وحذف ما فيها
 من التلأل كدت ان احترق بنيران الملل واستغرق في بحر الكلال
 لعله عدني من لا يستحق بلطفه العليم ولا يستوجب بمنه الجسيم
 ليت شعري ان المولى الوحيد لم يصلح فسادها ولم يزل كسادها
 هل لست من المتسكين بولائه امر لست من المتمشين تحت لوائه
 امر لا استحق لاستتار الهجنة بذيل سره ما الباعث على ان لا اتروى
 بماثه واني اعلم من قبل ان جنابه ميز الصحاح عن السقام من كلام
 بعض الاشعرية الماتريدي بوجه استقامه ادرى ما منعه
 عن عدم التماسي من التغيير والتصرف المنزير من التقدير
 والتاخير فاريد ان اسئل الرسالة المعلومة الى حضرته ثانيا
 ولعن ان الاتماس في استصلاحها ثانيا اذ المرء لا يعرف ما في
 نفسه من العيوب ولا يتجنب بما تستانس من اللغوب هذا ما جرى عليه
 يراء العبد المحموم المهورا لا فعال على سبيل الاستعمال حالة كثيرة
 الاستعمال وتوسيع البال للمر اصغر افراد صوتان الفواد
 الماسور بسلاسل الاثام المرهون بايدي الاستقام المعتصر
 بفضل ربه القوي السيد غني نقي الضوي اغناه سبحانه من منته الجسيم
 وصف عنه سقطته بفضل العبد المامل ان يصلح المولى ما في هذا الكتاب
 من التقام ويحوم ما فيه من اغلاط صدرت عن داعية السقام الذي

استولت علیه جنود الامراض في هاتى الايام وخير المآثر السلام من السلام
جناب علامه اوصدى الناس مولانا اسيد محمد عباس دام طلاله علينا در تاريخ وفات آنجناب

این قطعه فرموده

<p>ذالك الغنى عن المعائب والنقى نضبت عيون العلم عند وفاته يكى عليه يراعه ومداده عجبا لرتبه التي حلت بها عجبا لقلته التي عهد بها هذا بيان رحله من عندنا</p>	<p>عن المعائب فانيت محامده وجرت لفرقة العيون الجامدة اذ يدكر ان نشيدا وقصائده تقوى وعلم ثم نفس ناقده سهل الليالي كيف اصحت راقده امانوت كماله فعلا حده</p>
--	---

عام الوفاته له من اربع
سبع وخمس واثنان واحده

علامه اوصدى بن محمد شفيع الاستر ابادى المازندرانى دى از شاهير فضلاى اعيان
ومولد وانشاء اولاده مازندان است استفاده علوم و اکتساب فنون از آقا سيد على طباطبائى
وجمعى از علمائى عالیشان فرموده و بمرتبه عاليه اجتهاد و درجه قصواى فضل و رشاد فائز گرديد حقی در
بلده که انشا بان اقامت داشت و در عهد خلد مکان غازی الدین حیدر در حد و دستار العین
بعد الالف و المائتین پیدا و هند و ستان آمده بقیه عمر در بلده گذراند اقامت داشت دى عالم
تبحر و فاضل مجتهد و همیشه مشغول تصنیف و تالیف و تدریس بود و بگوشه عزلت و قناعت بس
سیرد اکثر مردم گمان دارند که اداب حسن اخلاق و توجه و التفات را با کسی مرعى نیفرمود
لکن حق آنست که بجز اهل علم و جمعی از طلبه علوم که بجهت استفاده حاضر خدمتش میشدند با و
مردم ارتباط و ملاقات کمتر داشت با عوام الناس از غیر اهل علم خصوصاً کاری و التقالی ندا
و با جمعی که از اهل فضل و کمال یا طلبه علم و ستفیدان خدمت بابرکت او بودند کمال تواضع

و التفتات و محاشن اخلاق و بذل اشفاق پیش می آمد تصانیف و تبقیه و رسائل انبیه دار و که نشاء
 کمال فضل و غایت اجتهاد اوست لکن بعضی از ان نام و بلکه بعضی در مسوده مانده با جمله از
 سایر کتب و رسائل مصنفه آن مرحوم که معلوم این حقیر کثیر التفصیل شده نیست رساله قاطب العقول
 فی بیان قواعد الاصول و کتاب بنار پس الفرعیات فی لوازم الشریعات در فقه که نوبت بآ
 آن نرسیده و تقدیری از ان از باب طهارت تصنیف شده و دیگر حاشیه بر شرح مطول مسمی به
 کمال است که آنهم با تمام نرسیده و تقدیر از ان نام مانده و رساله اصول دین بقاری که آنهم نام
 است و رساله ثمره الفوائد در مسئله ترجیح جماع منقول که آنرا در لبلبه که مالشاه در اوایل سنه یکم
 و دو صد و سی و پنج هجری تصنیف فرموده بود و رساله مصداق الاجتهاد لا یمتنع وجوده ما جمعه
 فی القدر و الفوائد و رسائل اصول فقه و حدیث و تفسیر و کلام که آنرا هم در سنه مذکوره تألیف فرمود
 و رساله فصل الخطاب فی حجه ظهور آیات الکتاب که آنرا نیز در سنه مذکوره تصنیف فرموده و
 رساله احسن الاقوال فی تحقیق ما هو الراجح بالالفاظ عند تعارض الاحوال که آنرا در سنه یکم
 و دو صد و سی و هشت هجری نوشته بود و رساله طهارت در احکام طهارت بزبان فارسی و رساله
 ممتاز در مسائل نماز در فارسی که تاریخ تصنیف آن سنه یکم هزار و دو صد و سی و هفت هجریست
 و رساله استحکام و مسائل صیام فارسی و رساله کنوز در نمازها که لؤفل و رساله بدیه السلطان
 در بیان اصول ایمان که آنرا از راه تحفه برای پادشاه خلد منزل نصیر الدین حیدر مرحوم در لبلبه
 لکن تصنیف فرمود و تاریخ ماه شعبان سنه ۱۰۲۳ هجریست رساله غره الجبین در احکام نماز پنجگانه
 که آنرا براسه نواب منتظم الدوله حکیم مهدی علیخان مرحوم قلمی فرموده بود کتاب مجاری الایمان
 ترجمه جلد هشتم بحار الانوار که آنرا در سنه ۱۰۲۳ هجری فرمایش مادر سلطان خلد منزل سابق التذکره
 پادشاه حکیم مرحوم نوشته باب اول و باب ثانی از ان با تمام رسیده است و رساله
 اعانه الباری در جواب شبهات اخباری و رساله در ذکر پنج حدیث در فضائل جناب امیر علیه السلام
 که بفارسیست و رساله نجم المؤمن در جواب مسائل متفرقه بزبان فارسی که در بعضی بلاد هندوستان